

ترک | [ت] [ص] [ا] نقیض تازیگ باشد. گویند ترکان از اولاد یافث بن نوح اند. (برهان). نام طایفه‌ای است در ترکستان که تاتار و مغول و سایر اقراک از آن طایفه‌اند و زبان ایشان معین است. (انجمن آرا) (آندراج). گروهی از اولاد یافث بن نوح. (ناظم الاطباء). نام قومی منسوب به ترک که مردی بود از فرزندان نوح علیه السلام. (غیاث اللغات). ج، اقراک. (ناظم الاطباء). نقیض تازیگ طایفه بزرگی از طوایف افسانی را گویند. ج، ترکان. (ناظم الاطباء). نام ترک بعنوان قومی بدوی نخستین بار در قرن ششم میلادی دیده میشود. در همان قرن ترکان دولتی نیرومند و بدوی تأسیس کردند که از مغولستان و سرحد شمالی چین تا بحر اسود امتداد داشته است. مؤسس حکومت مزبور که چینیان او را «تومن» < ۱ > نامند. در کتیبه‌های ترکی بومن < ۲ > در سال ۵۵۲ م. درگذشت و برادرش «ایستامی» < ۳ > (در طبری ج ۱ ص ۸۹۵ و

۸۹۶: سنجبو خاقان] که در مغرب فتوحاتی کرده، ظاهراً تا سال ۵۷۶ م. زیسته است این دو برادر گویا از آغاز مستقل از یکدیگر حکومت می‌کردند. چینیان از دولت مزبور بنام امپراطوری ترکان شمال و مشرق یاد کرده‌اند. در سال (۵۸۱ م. تحت نفوذ سلسلهٔ چینی (سوئی)) <۴> این دو امپراطوری بطور قطع از یکدیگر جدا شدند و بعدها هر دو تابع سلسلهٔ چینی (تانگ)) <۵> (۶۱۸ - ۹۰۷ م.) گردیدند. در حدود سال ۶۸۲ م. ترکان شمال موفق شدند استقلال خود را بدست آورند. دربارهٔ روابط این ترکان قدیم و اخلاق آنان بحث‌های بسیار شده است... برای اطلاع بیشتر رجوع به دائرة المعارف اسلام ذیل ترک <۶> شود. سلسله‌های ترک که در ایران دورهٔ اسلامی سلطنت کرده‌اند غزنویان (۳۵۱ - ۵۵۵ هـ. ق.) سلجوقیان (۴۲۹ هـ. ق. - اواخر قرن ششم) خوارزمشاهیان (۴۷۰ - ۶۲۸ هـ. ق.) (از حاشیهٔ برهان چ معین) ■